

شرك و بت پرستي در عصر پیامبر (ص) :

مشرکان و کفار دوران جاهلیت که قدم های خود را برای پرستش اصنام بی جان ، استوار میکردند، پس از ظهور حضرت رسول و استماع ندای «قولوا لا اله الا .. تفلحوا» که نافی بت های بی نفع و ضرر جاهلان بود، چنان عزم خویش را در مخالفت با پیام آور «الله» جزم کردند که هر آن منتظر فرصتی بودند تا بطلان احکام الهی را با مجادله اثبات نمایند. مشرکین احساس میکردند که محمد «ص» باور کردن خداوند در همه شئون زندگی سعی دارد تا مظاهر شرك و بت پرستی را از جامعه ای که قرن ها با دین حنیف ابراهیم فاصله گرفته تماماً بزدايد و در هر فرصتی لزوم آیات بودن مخلوقات و فسق بودن هر فعلی که صیغه غیر خدایی دارد را یادآور شود. لذا مخالفت و جدال شرك آورندگان نه به جهت حقیقت طلبی و جستجوی راستی، که به خاطر جلوگیری از امحاء مظاهر شرك و بت پرستی حافظ وضع موجود فاسد بود. بدین لحاظ با يك دید کلی می توان تحقق اهداء نفسانی را در اولیاء و تابعان شیطان هنگام جدل با احکام الهی به روشنی و وضوح کامل دریافت. مشرکین علاوه بر آن که در مقابل خداوند مروج حکم گیری بودند، حرمت و حلیت احکام را نیز به خدا نسبت می دادند. یکی از دلایلی که مشرکین جهت توجیه مخالفتشان با محمد «ص» ارائه می کردند ، تقلید بی چون و چرا و کورکورانه از آداب و رسوم و سنن جاهلیت که همان طریق و شیوه بت پرستی و مباح بودن هرگونه عملی که خوشایند مذاق است، بود. این روش نسبتاً منطقی و مستدل زمانه کفر زده است. فضای سخن پیامبر و نویدی که از سوی خالق به خلق می داد چنان در نظر برخی ناگوار و ناخوشایند بود که قصد کشتنش را می کردند. گرچه برخی با او به جدل می پرداختند ولی نهایتاً چون قوه جاذبیت حق بیش از باطل بود، تحمل و صبر کفار و مشرکین به سر آمده و در پی قتل بر می آمدند. آری آنگاه که وسوس شیطانی و الهامات نفسانی بر مخلوقات غلبه نماید، وعده شیطان مبتنی بر گمراهی مردم از صراطی که باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر است، محقق می شود. مشرکین را هم و غمی جز خاموشی ندای دعوت حضرت رسول «ص» که در جامعه پر ز کین و نفاق می زیست، و از سوی خدا جهت زدودن گرایش های جاهلی برانگیخته شد، نبود. با زبان پیرو و تابع قلب مرض ناک شیطان ، بدون استواری در عهد و میثاق و جوانمردی، با قلم و قدم آلوده کفر و شرك و جهل جنگ سرد را شروع کردند. شایعات بی اساس و سر تا پا دروغ و کذب را میان تازه ایمان آورندگان پخش کرده و اگر شرایط را مناسب می دیدند از قیام مسلحانه و خریداری آحاد مردم دریغ و ابائی نداشتند. وسوس شیطانی را بازبانی و نرم به خورد مردم داده نه بعنوان مخالفت با شخص پیامبر بلکه برای شکست اسلام و امحاء دین، تمامی توان خود را بکار گرفتند.

رهبران مذهبی یهود و نصاری که به جهاتی منافع خویش را با تثبیت پیامبر اسلام و حجت و حق بودنش در خطر یافتند زیرکانه و مزدورانه به تحریف احکام الهی و جا به جایی حلال و حرام خدا دست یازیدند. نه تنها رسول را در امر تحقیق دین موعود یاری نکردند بلکه هم و تلاش خود را برای اسقاط او و کلیتی که حاملش بود به کار گرفته و به انواع حیل متوسل شدند.

کفار عقل و اندیشه خود و کمالات پیامبر را نادیده گرفته و همه چیز را با دید ظاهری می نگرستند و در برابر منطقی و روش پیامبر منطقی نداشتند و پس از تکذیب دست به تهدید می زدند.

کفار دلیلی بر انکار قیامت ندارند و تنها با طرح این سؤال که قیامت چه زمانی است آنرا به استهزاء می گیرند. و پیامبر فرمود : معین نبودن زمان امری دلیل بر واقع نشدن آن نیست و برپایی قیامت وعده الهی

است ولي كفار پیامبر را دروغگو مي پنداشتند و در حالیکه با بر پايي قیامت همه دلبستگی ها و وابستگی هاي دنيا گسسته مي شود و كفار آنچه را در دنيا انکار مي کنند در آنروز مي بینند. پیامبر دلسوز همه بود حتي از انحراف و کفر مخالفان رنج مي برد و مي فرمود : رفاه مادي نشانه سعادت نیست و خالق بودن خداوند بر مشرکان پوشیده نیست.

از جمله عقاید انحرافي مشرکان در زمان پیامبر ص این بود که فرشتگان را دختران خدا مي پنداشتند و قرآن بارها با این مسأله برخورد کرده و آنرا دروغ و تهمتي بزرگ شمرده است.

کفار بهانه جوي مکه از پیامبر تقاضاي معجزات متعددي داشتند از جمله مي خواستند بعضي از کوه هاي مکه را تبدیل به طلا کند و يا کوه ها جا به جا شوند. خداوند مي فرماید : به تجربه تاريخ ، کفار لجوج با دیدن این نشانه ها نیز ایمان نمي آوردند و نظام آفرینش دستخوش هوسهاي افراد لجوج نمي شود و اگر معجزه به پیشنهاد مردم ارائه شود و به آن کفر ورزند عقوبت دنيوي آنان حتمي است. وقالو لن نؤمن لك حتي تفجر لنا من الارض نبيوعاً.

و گفتند : ما هرگز به تو ایمان نمي آوریم مگر براي ما چشمه اي از زمین جاري ساري. مشرکان شرط ایمان آوردنشان را رسیدن به مادیات قرار داده و توقعات نا به جايي داشتند. غافل از آنکه پیامبر براي اثبات نبوت خود معجزه انجام مي دهد نه براي اشباع هوسهاي مردم لجوج و يا سرگرمي و تفریح. در واقع توقع نابه جا ، قساوت و لجاجت و نا آگاهي و بي ادبي دست به دست هم مي داد و سبب مي شد که از پیامبر درخواست هاي غير منطقي داشته باشند.

جلوه هاي شرك در عصر حاضر :

روزگار در مبارزه حق و باطل سپري مي شود و داعيان لبیک گویان سبوي معبود مي شتابند و راه پر خوف و خطر تکامل الي الله را طي مي کنند و تمام مشکلات را با جان و دل پذيرا هستند. در این میان بازیگراني چند در لهو و لعب متاع قليل دنيا را به خیال خود براي همیشه به چنگ آورده و دل به آن بسته اند و چون صدامیان براي حفظ آن به هر رشته اي متوسل مي شوند و کوس لمن الملکي مي زنند و در لبنان و فلسطین و غيره به يك لحظه هزاران مسلمان را به خاک و خون مي کشند و باز هم با کمال بي شرمي دم از صلح و صفا مي زنند و چهره ننگین خود را در زیر پرده عدالت مخفي مي کنند و تنها راه حال و مقال این مردم ستمدیده و مستضعف اعلاي کلمه الله و توحيد است. در راه ولایت فقيه و رسیدن به فيض شهادت گام بر مي دارند و به پيروي از انقلاب حسيني از حریم عاشوراي ولایت دفاع مي کنند. میدان مبارزه براي آنها همه جاست. گروهی در میدان اقتصادي گروهی ديگر با مسلسل و بعضي با قلم و بيان به مبارزه خود ادامه ميدهند.

ما امروز از يك سو شاهد تجاوز گسترده اسرئیل و نقشه تصرف از نیل تا فرات و اخراج مسلمانان از وطن خود و ایجاد شبکه هاي جاسوسي در جهان و به دست گرفتن بوق هاي تبليغاتي و گردآوری نيروهاي خود از شرق و غرب و انواع کارهاي فساد انگیز هستیم و از سوي ديگر شاهد انقلاب اسلامي و پيدا شدن جوانان حزب اللهی در فلسطین و هجوم به اسرئیل و پس گرفتن مسجد الاقصي هستیم. دغدغه اصلي طبقه ثروتمند و مدافعان روشن فکر آنها، نگهداري و افزايش ثروتشان بوده و همین دیدگاه آنها را به روي نيازهاي ملي که براي ثروتمندان همواره ناشناخته و نامحسوس مانده، بسته است. این خط مشي نهي از بصيرت به همه جنبه هاي عمومي زندگي سرایت کرده و منفعت انديشي را اصل و غایت آرزوهاي جامعه ساخته است و متأسفانه محرومیت از این بصيرت تنها بر دولت ها تأثیر نمي گذارد بلکه پیامدهاي آن در سراسر جامعه آشکار مي شود. بهترین گواه فقدان عظمت و درایت در این زمانه پديد آمدن نسلي بيگانه با درایت ملي است. نسلي که ایمانش را به نظام سياسي از دست داده. دليل این مدعا مي تواند تعداد شرکت کنندگان در انتخابات (در ايالت متحده آمریکا) باشد که درصد

شرکت کنندگان زیر 25 سال به راستی نومید کننده است. آیا علت عدم شرکت جوانان در انتخابات ، بی اعتمادی آنها به مسئولانی است که به جای خدمت در پی کسب قدرت و فرمانروایی اند؟ و یا در یافتن این نکته که مسئولانمان از کمال گرایی آمریکایی و قدرت رهایی بخش آن به کلی غافل مانده اند؟ و بهترین راه برای سنجش زوال این کمال گرایی، بررسی نزولی معنویات در سال های اخیر است. رخت بر بستن معنویات از مرکز قدرت، جامعه ای به ارث می گذارد که به طرز غیر قابل اجتنابی در جهت گم کردن ارزش ها پیش می رود. آنها سرپرستی را با سرکوبی ، بزرگ منشی را با فخر فروشی، وطن پرستی را با خودستایی و غفلت را با عصمت اشتباه گرفته اند.

بله هستند وزرای خارجه ای که جنگ بین دو ملت را مستقیم یا غیر مستقیم تشدید کرده اند در حالیکه کاملاً راه حل متوقف کردن آن را می دانستند. آنها باعث نابودی ده ها هزار تن از مردم شدند و متعاقب آن حزئیات نفرت انگیز شیرین کاری های خود را به شکل خاطرات سیاسی قاب کرده اند. به یاد آوریم که چگونه در پنج سال اخیر خود را درگیر جنگ با سه کشور جهان ساخته و هنوز از نقش مخرب خود آگاه نیستند و فرهنگی بوجود آورده اند که در مسیر مکروه شمردن ارزش های انسانی پیش می رود. بت سازی از چهره های پوشالی در حوزه سیاست و ستایش اشخاص ضعیف النفس بر درستی این سخن گواهی می دهد.

تمدن کنونی غرب با تمام عظمت و ترقی که از جهت صنعت و تکنیک دارد، آثار منفی بسیاری نیز همراه آورده است که مهمتر از همه خلاء معنوی در اجتماع انسانهای متمدن قرن بیستم است. بشر متمدن به تسخیر کرات می پردازد در حالیکه از گشودن مشکلی بنام «نسل جوان» عاجز است. اعضای بدن انسان مثل قلب و کلیه را پیوند می زند ولی پیوند «سیاه و سفید» را بصورت مسئله بغرنج در سطح جهانی در می آورد. نیروی سرکش اتم را با پنچری فکر و دانش مهار می کند اما از آن برای نابود ساختن همنوعان خود استفاده می کند. صدها نمونه دیگر از این قبیل موارد وجود دارد که همه بیان کننده این حقیقت است که به موازات سیر تکاملی دانش صنعتی آمار وحشتناک جنایت و جرم و انحراف بالا و بالاتر می رود و علی رغم اینکه تکنیک ما، سرعت مافوق تصور پله های نردبان ترقی را طی می کند، اخلاق و معنویت قوس نزولی را می پیماید. زمانی نیز شاه ایران با تکیه برابر قدرتها مردم ایران را سرکوب می کرد ولی چیزی نگذشت که گریه کنان و با ذلت گریخت و این است معنی آیه که می فرماید : به سراغ غیر خدا رفتن عاقبتی جز سرافکندی ندارد.

ما باید جهت خودمان را جهت اقامه حدود اسلامی قرار بدهیم. در جامعه خودمان هیچ مجالی به گسترش اندیشه غیر اسلامی و ضد اسلامی ندهیم. نمی گویم با زور و یا قهر و غلبه که می دانیم با اندیشه و فکر و از راه های درست و منطقی و معقول باید اندیشه اسلامی گسترش پیدا کند. باید تمام قوانین ما به اسلامی شدن روز به روز پیشتر برود.

امروز مستضعفان آفریقا و میلیونها انسان گرسنه آسیای دور و میلیونها انسان رنگین پوستی که از تبعیض نژادی رنج می برند، چشم امیدشان به یک فریادرس و نجات بخش است. آرزوی همه بشر وجود چنین عنصری والا است. عقده های فرو خورده انسانها در طول تاریخ چشم به انتهای این افق دوخته است تا انسان والا و برگزیده ای از برگزیدگان خدا بیاید و تار و پود ظلم و ستم را که انسانهای شریر در همه تاریخ تنیده اند، از هم بدرد. بشریت منتظر آن جامعه آرمانی و ایده آل است.

نتیجه گیری و جمع بندی :

كيف سيندل عليك بما هو في وجوده مفتقر اليك و يكون لغيرك من الظهور ما ليس لك حتي يكون هو المظهر لك متي غبت حتي تحتاج الي دليل يدل عليك و متي بعدت حتي تكون الاثار هي التي توصل اليك.

چگونه راهنمایی تو شود چیزی که او را در هستی خود به سوی تو روی نیاز است و وجود تو از هر چیزی بی نیاز. آیا غیر تو دارای کمال هست از پیدایی که تو دارای آن کمال نیستی تا آنکه او نماینده تو باشد و تو نیاز به سوی او باشی و حال آنکه تو غنی با لذاتی و ما سواي تو فقیر من جمیع جهاتند. خداوند حضرت محمد (ص) را به پیامبری برگزید تا بندگان خدا را از عبادت آمرزیده های او نجات بخشد و به راه پرستش باریتعالی سوق دهد و همچنین آنان را از اطاعت مخلوق خدا برهاند و مطیع خداوندشان سازد.

توحید در ربودیت سخت ترین چیز برای مشرکان است. اما با گذشت قرن ها، کفار با انواع حيله ها و تهمت ها نتوانستند ذره ای به اسلام ضربه بزنند و تعظیم کردنی است خدایی که ذات شریفش از انظار خلق پوشیده است.

همه آیات او ظاهر ، همه برهان او باهر ولی کو دیده بینا ولی کو قلب نورانی مشیت خدا بر این امر قرار گرفته که دینش جهانگیر شود و شرک و پلیدیهای تابعش محو گردد. هر که بر کبر و غرور مقابل جریانی که حق است، بایستند نابود می شود. و مشرکین در همه ادوار مردگانی متحرکنند. با امید به آنکه مردم به حقایق قرآن آگاه شوند و از شرک و بت پرستی دست برداشته و توحید خالص را بپذیرند. انشا ..

یا الله

عقل راهنمای مؤمن است.

امام صادق ع - اصول کافی (1)

منابع :

مهدویت از منظر ولایت - علی خامنه ای ، رهبر جمهوری اسلامی ایران - گردآوری جمعی از نویسندگان.

راه وصال - رضا حسینی مطلق (وظایف مؤمنین در زمان غیبت امام زمان «عج»).

سیمای زنان در قصص قرآن - مصطفی اولیائی.

تفسیر سوره عنکبوت - محسن قرائتی.

تفسیر سوره یس - محسن قرائتی.

تفسیر سوره لقمان - محسن قرائتی.

تفسیر سوره حجرات - محسن قرائتی.

تفسیر سوره اسراء - محسن قرائتی.

سیری در عقاید - آیت .. احمد علی احمدی شاهرودی.

حدیث اخلاق از سخنان چهارده معصوم - م. وجدانی.

ویژگی های مشرکین از دیدگاه اسلام - جهانشاه ناصر.

سایت اینترنتی www.Porseman.net

گردآوری :

نام دانشکده :

نام استاد :

نام و موضوع تحقیق :